

بررسی نقش مدائنی در تدوین گزارش‌های تاریخی

امامان شیعه علیهم‌السلام

حسین مرادی نسب / استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه / hmoradi@rihu.ac.ir

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳

(DOI): 10.22034/shistu.2023.559922.2277

چکیده

مدائنی از مورخان قرن سوم هجری دارای تألیفات بی‌شماری در موضوعات اجتماعی، فرهنگی و به ویژه تاریخی است. احاطه علمی وی بر رخداد‌های تاریخ اسلام سبب شد تا وی بیشترین تألیفات را نسبت به هم‌عصران خود داشته باشد که فقط نام آنها در منابع فهرست آمده است. در این میان، از جمله موضوعات تدوین یافته توسط مدائنی، نگارش‌های تاریخی او درباره امامان شیعه علیهم‌السلام است که برخی از آنها تکمیل‌کننده موضوعات تدوین شده از سوی مورخان پیشین و برخی دیگر از ابتکارات اوست. این پژوهش بر اساس داده‌ها و یافته‌های گزارش‌های تاریخی در منابع کهن، به تحلیل و توصیف آثار تک‌نگاری تدوین شده توسط مدائنی درباره امامان شیعه علیهم‌السلام پرداخته است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که نقش میراث مکتوب مدائنی درباره تاریخ زندگانی امامان شیعه علیهم‌السلام چگونه بوده و چه تأثیری بر نگاه‌های بعدی داشته است؟ وی بدون توجه به دیدگاه مذهبی‌اش، گزارش‌های تاریخی گسترده‌ای با موضوعات خاص درباره امامان شیعه علیهم‌السلام، به‌ویژه درباره حضرت علی علیه‌السلام و برخی از امامان شیعه علیهم‌السلام تدوین کرده که نشانگر وسعت نظر او درباره آن بزرگواران است.

کلیدواژه‌ها: مدائنی، گزارش‌های تاریخی، تاریخ اسلام، امامان شیعه علیهم‌السلام، امام علی علیه‌السلام.






مقدمه





میراث مکتوب مسلمانان در قرن دوم و سوم به صورت تک‌نگاری در موضوعات گوناگونی بوده که بیشتر آنها در طول تاریخ از بین رفته و یا به فراموشی سپرده شده و فقط نام آنها در منابع بعدی ثبت گردیده است؛ اما می‌توان با بازسازی گزارش‌ها در منابع به احیای آن آثار پرداخت؛ زیرا احیای این میراث مکتوب زنده کردن فرهنگ و تمدن اسلامی قرن سوم است، به ویژه اگر احیای این آثار درباره امامان شیعه علیهم‌السلام باشد که جزئیات و لایه‌های پوشیده‌ای از تاریخ اسلام را آشکار می‌سازد.


فهرست‌نگارانی مانند ابن ندیم (م ۳۸۱ق)، حموی (م ۲۶۶ق)، صفدی (م ۷۶۲ق)، حاجی خلیفه (م ۱۰۶۷ق) و افراد دیگری به ثبت آثار مورخان پیشین، به ویژه درباره امامان شیعه علیهم‌السلام اقدام کرده و بخشی از آن آثار را برای ما حفظ نموده‌اند. اخباریان تحت تأثیر عوامل سیاسی و مذهبی صحابه یا تابعان در تدوین موضوعات تاریخ اسلام نقش‌آفرینی کرده‌اند. (ر.ک. جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۵۱)



مدائنی اهل بصره بود و تحت تأثیر عوانه بن الحکم عثمانی گرایش‌های عثمانی داشت. بصریان در ماجرای جنگ جمل طرفدار عایشه و از پیمان‌شکنان در بیعت با حضرت علی علیه‌السلام بودند. (حموی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۳۶ و ۱۳۷؛ ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۸۶؛ قرشی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۴۶ و ۴۴۷)

مدائنی از بندگان سمره بن حبیب بود که او [سمره] نیز از دشمنان اهل‌بیت علیهم‌السلام به شمار می‌رفت. برخی وی را مبلغ امویان دانسته‌اند که در جهت سیاست بنی‌عباس در مقابل اهل‌بیت علیهم‌السلام موضع‌گیری می‌کرده و به همین سبب در نقل روایات به او اعتمادی نمی‌کنند. (قرشی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۴۷) در عین حال، در میان نوشته‌های مدائنی، نوشته‌هایی از او درباره امامان شیعه علیهم‌السلام به چشم می‌خورد که با آنچه درباره مدائنی گفته می‌شود، سازگار نیست. از گزارش‌هایی که از لابه‌لای متون به دست می‌آید، وی فردی آزاد اندیش می‌نماید و افزون بر نقل مطالب بنی‌امیه، به ذکر فضائل امامان شیعه علیهم‌السلام به خصوص حضرت علی علیه‌السلام همت گمارده است.

اهمیت نوشته‌های مدائنی درباره امامان شیعه  به‌خصوص درباره حضرت علی ، امام حسن  و امام حسین  و برخی دیگر از آنان زمانی روشن می‌گردد که بدانیم همواره سیره گفتاری و عملی آنان در جامعه مد نظر عام و خاص و بر جامعه بشری تأثیرگذار بوده است. از این رو ضرورت دارد سیره و تاریخ امامان شیعه  به مثابه الگوی عملی برای جامعه بشری تبیین و سرمشق زندگانی بشر گردد.

بررسی تدوین گزارش‌های تاریخی مدائنی که به صورت تک‌نگاری انجام شده، کمک بزرگی به شناساندن شخصیت آن بزرگان با توجه به دیدگاهشان دارد. بیان این حقایق پنهان تاریخی رسواگر مخالفان امامان شیعه  است که چگونه در طول تاریخ فضایل آنان را تحریف کرده و نادیده انگاشته‌اند. برای نمونه، معاویه بر حذف فضایل امیرالمؤمنین  اصرار داشت. در مقابل، صعصعة بن صوحان بر ذکر فضایل امام  اصرار داشت. حاکم کوفه، مغیره بن شعبه، به او گفت: ما این فضایل را بهتر از تو می‌دانیم؛ اما این سلطان (معاویه) غلبه کرده و به ما دستور داده است تا از ایشان عیب‌جویی کنیم؛ به‌ناچار برای حفظ جانمان این کار را می‌کنیم و تو در خانه‌ات به نقل فضایل علی  بپرداز. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۸۹)

مدائنی در گزارشی از ابن شهاب زهری (د ۱۲۴ق) می‌نویسد: خالد بن عبدالله قسری (م ۱۲۶ق) حاکم اموی در عراق از من خواست تا کتابی درباره انساب بنویسم. من از نسب مضر شروع کردم؛ اما چندی بعد گفتم: آن را رها کن و سیره بنویس. به او گفتم: اگر درباره علی بن ابی‌طالب  بود، چه کنم، بنویسم؟ گفت: خیر، ننویس، مگر طوری بنویسی که ایشان را در قعر جهنم نشان دهی! (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۲، ص ۱۵)

مدائنی در کتاب *الاحداث امر معاویه* به کارگزاران خود مبنی بر سب حضرت علی  و ذکر مناقب عثمان بر روی منابر را گزارش کرده است. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۴۴-۴۶) چنین گزارش‌هایی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه آن عصر نشان می‌دهد که چگونه امویان نسبت به حضرت علی  بغض داشتند و می‌کوشیدند تا فضایل ایشان را تحریف کنند.

مؤلفان پس از مدائنی در آثار خود، در موضوعاتی که دربردارنده فضایل حضرت علی علیه السلام است، گزارش‌های مدائنی را در آثار خود ثبت کرده‌اند. از جمله گزارش‌ها آن است که هنگام ورود حضرت علی علیه السلام به کوفه، مردی از حکمای عرب نزد ایشان آمد و گفت: به خدا سوگند که شما خلافت را زینت داده‌اید و خلافت شما را زینت نداده است. شما خلافت را جایگاه بخشیدید، نه آنکه خلافت به شما جایگاه بخشیده باشد. خلافت به شما نیاز دارد. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲، ص ۴۴۵؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۲؛ سیوطی، بی‌تا، ص ۱۹۸)

همچنین مدائنی به نقل از عبدالله، از پدرش احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) نقل می‌کند که عده‌ای از اهالی محله «کرخ» بغداد بر پدرم وارد شدند و درباره خلافت ابوبکر، عمر و عثمان صحبت کردند. سپس درباره خلافت علی علیه السلام سخن گفتند. پدرم سرش را بلند کرد و گفت: شما درباره خلافت و علی، و علی و خلافت گفتید؛ اما بدانید که علی علیه السلام خلافت را زینت نداده، بلکه وی زینت خلافت شد. (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۵؛ ابن ابی‌یعلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۶)

در گزارش دیگری از مدائنی آمده است که بر مأمون وارد شدم و از حضرت علی علیه السلام نزد او یاد کردم و احادیثی را درباره ایشان خواندم و پس از آن، احادیثی در لعن بنی‌امیه برای او ذکر کردم. (حموی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۲۸ و ۱۲۹)

از چنین گزارش‌هایی به دست می‌آید که مدائنی افزون بر ذکر احادیث درباره امام علی علیه السلام، به ذکر مثال بنی‌امیه نیز پرداخته و این گزارش‌ها در مکتوبات مؤلفان پس از او آمده است. مدائنی و دیگران اعتراف دارند که حضرت علی علیه السلام زینت‌بخش جایگاه خلافت شده است، زیرا آنان شخصیت آن حضرت را می‌شناختند و به منزلت و جایگاه والای ایشان آگاه بودند. همین آگاهی سبب شد که مدائنی نسبت به تاریخ زندگانی و سیره امام علی علیه السلام و برخی از امامان دیگر اهمیت دهد و با تکمیل نوشته‌های پیشینیان و ابداع موضوعاتی نو، به نشر سیره آن بزرگواران بپردازد.

این دست تألیفات مدائنی سطح فرهنگی جامعه اسلامی را نشان می‌دهد و تأثیرگذاری نگاه‌های او را در دوره‌های بعدی نمایان می‌کند. احتمال دارد که این گزارش‌ها و گزارش‌های دیگر که درباره امامان شیعه علیهم‌السلام در لابه‌لای متون از مدائنی آمده است، در بخش کتاب الاحداث یا کتاب تاریخ الخلفاء وی باشد که مؤلفان پس از او، از آن کتاب‌ها ذکری نکرده و به نقل آنها پرداخته‌اند - که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

تاکنون پژوهشی در خصوص نقش مدائنی در تدوین گزارش‌های تاریخی امامان شیعه علیهم‌السلام نوشته نشده است، بجز کتابی با عنوان اخبار اهل بیت علیهم‌السلام در میراث مکتوب مدائنی از نویسنده این مقاله که در سال ۱۳۹۶ از سوی انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر شده و مطالب مربوط به شخصیت مدائنی و گزارش‌های تاریخی برجای مانده از وی در منابع دیگر را جمع‌آوری و تدوین کرده است؛ اما در این اثر تنها به جمع‌آوری مواد خام گزارش‌های تاریخی مربوط به امامان شیعه علیهم‌السلام اقدام شده و به نقش و تحلیل مدائنی از این گزاره‌ها توجهی نگردیده است. امتیاز این پژوهش به شناسایی و ابتکار مدائنی در تدوین گزارش‌های تاریخی درباره امامان شیعه علیهم‌السلام است که افزون بر تکمیل موضوعات گذشته، به تدوین موضوعات جدید پرداخته و آنها را برای آیندگان حفظ کرده است، به گونه‌ای که معرفی نوشته‌های مدائنی در رشد و تکامل آن موضوعات در تاریخ اسلام تأثیرگذار بوده و حقایق تاریخی در این تکنوگاری‌ها را روشن می‌کند و صحت و سقم آنها را می‌سنجد، اگرچه برخی از گزارش‌های او قابلیت بررسی بیشتر دارد.

پیش از ورود به بحث، به اجمال به شخصیت مدائنی پرداخته، سپس نقش وی در تدوین گزارش‌ها تبیین می‌شود.

زیست‌نامه ابوالحسن علی بن محمد بن ابی‌سیف مدائنی

وی زاده بصره به سال ۱۳۵ق و عبدِ عبدالرحمان بن سمره بن حبیب بود. (ابن سعد، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۵) در بصره رشد کرد و در همان‌جا به کسب دانش پرداخت و برای تکمیل دانش خود و بهره‌گیری از دانشمندان دیگر به شهرهای متعدد مسافرت کرد. نام استادان و مشایخ او در منابع ذکر شده است. (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۴۰۱ و ۴۰۲) وی پس از تحصیلات، به مدائن رفت و برای مدتی طولانی در آنجا ساکن شد و شهرت او به «مدائنی» به‌همین سبب است. (سمعانی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۳۱) وی پس از آن به بغداد رفت و تا پایان عمر در آنجا ساکن بود تا آنکه درگذشت. (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۵۵)

مدائنی حافظ (ابن تغری، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۹) و ثقة بود. (یحیی بن معین، بی‌تا، ص ۱۷۷؛ بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۵۵) محدثانی از او حدیث نقل کرده و برخی گزارش‌های او را «عالی‌الاسناد» خوانده‌اند. (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۴۰۱) در مقابل، برخی او را مجهول و ناشناخته گفته (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۱۳) و برخی او را در حدیث قوی ندانسته و تنها او را یک «اخباری» نامیده‌اند که روایاتش کمتر با سند نقل شده است. (ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۱۳؛ ذهبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۳)

برای نمونه مسعودی (م ۴۳۵ق) مدائنی را راوی صاحب‌نظر نمی‌دانست. (مسعودی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۰۹) این گروه بیشتر روایات مدائنی را از اخبارِ عوانة بن حکم عثمانی دانسته و وی را از جاعلان دستگاه اموی خطاب می‌کنند. (حموی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۳۷؛ ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۵۳ و ۳۸۶)

برخی فراتر رفته و مدائنی را از دشمنان اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌خوانند؛ زیرا سمره بن حبیب ارباب و مولای او در شمار دشمنان اهل‌بیت علیهم‌السلام قرار داشته است. (قرشی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۴۶ و ۴۴۷) از سوی دیگر، وی از اهالی بصره بود و چون اهل بصره عثمانی مذهب بودند، بعید است که او از گرایش‌های عثمانی دور مانده باشد. (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹)

هوشمندی و دانش مدائنی در فراگیری علوم چنان بود که وی در تدوین برخی موضوعات پیشگام بود و اطلاعات جامع و مفیدی به مخاطبان خود ارائه کرده است. او در موضوعات جامعه، شناخت عجیبی داشت و از رخدادها آگاه بود. (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۴۰۰ و ۴۰۱) به همین سبب درباره‌اش نوشته‌اند: اگر کسی می‌خواست به اخبار اسلام دست یابد، باید به کتاب‌های مدائنی مراجعه می‌کرد. (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۵۵؛ سمعانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۴۷)

شاگردان بسیاری، از جمله زبیر بن بکار، احمد بن الحارث خزار و الحارث بن ابی اسامه را تربیت کرد. (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۵۵) توجه مؤلفان پس از او به آثار مدائنی سبب شد تا لقب «شیخ الاخباریین» به او داده شود. (بدری، ۱۹۷۵، ص ۱۵)

نقش مدائنی در تدوین گزارش‌های تاریخی امامان شیعه علیهم‌السلام

در قرن سوم بیشتر اخباریان درباره موضوعات گوناگون تاریخ اسلام و غیر آن تألیفاتی به صورت تک‌نگاری داشته‌اند. مدائنی نیز توانست نقش اساسی در تدوین برخی از موضوعات تأثیرگذار در عصر خود داشته باشد. وی برخی از نگاه‌های مورخان پیشین را تکمیل کرد و راه آنان را ادامه داد و به ثمر رساند. احاطه علمی مدائنی بر موضوعات گوناگون و شناخت جامعه آن عصر، بستری برای تدوین موضوعات جدید - به ویژه درباره امامان شیعه علیهم‌السلام - برای او گشود که پیش از او کسی به تدوین آنها نپرداخته بود. آگاهی‌های وسیع مدائنی در اخبار تاریخی، توانمندی وی را در تدوین موضوعات نمایان می‌سازد. وی توانست گزارش‌ها و داده‌های تاریخی را کاربردی کند و همین را درباره برخی از امامان شیعه علیهم‌السلام به کار گیرد. بسیاری از گزارش‌ها مدائنی در کتاب‌های وی و پس از آن در منابع یافت می‌شود که نشانگر توجه مؤلفان به کتاب‌های تک‌نگار او در موضوعات گوناگون است.

وی درباره امامان شیعه علیهم‌السلام گزارش‌هایی آورده است که توجه خاص وی را در آن موضوعات می‌رساند. مدائنی موضوعاتی مانند علم امام علی علیه‌السلام و پیشگویی آن حضرت

درباره برخی حوادث را گزارش کرده است. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۳۶) همچنین درباره مناقب حضرت علی علیه السلام، عدل و زهد ایشان و برخی از خطب‌های آن حضرت گزارش‌های آورده (همان، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۷ و ۱۹۸؛ ج ۹، ص ۳۱۷) که نشانگر توجه مدائنی به ذکر ویژگی‌های آن حضرت است. مدائنی گزارش کرده است که وقتی گواهان شهادت دادند که شخصی مرتکب عمل زشتی شده است، امام علیه السلام بر او حد را جاری کردند (همان، ج ۱۲، ص ۲۴۱) تا خطاکاران بدانند که به سزای اعمال خود خواهند رسید.

گزارش‌های وی درباره حضرت علی علیه السلام چنین است: تعزیت و تسلیت ابن عباس به علی علیه السلام در شهادت محمد بن ابی بکر (ثقفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۱)، ذکر شمایل حضرت علی علیه السلام (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۴۲)، پیمان مؤاخات [میان پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام] (همان، ج ۲، ص ۱۴۴ و ۱۴۵)، ازدواج علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام (همان، ج ۲، ص ۱۴۵)، قضاوت‌های آن حضرت (زبیر بن بکار، ۱۴۱۶ق، ص ۳۶۳ و ۳۶۴) و موضوعاتی دیگر. برخی از این گزارش‌های مدائنی به شخصیت و جایگاه وی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگران و سیره علمی و اجتماعی آن حضرت اشاره دارد.

مدائنی گزارشی درباره اطعام دادن حضرت علی علیه السلام آورده است که ایشان در کوفه، مردم را اطعام می‌دادند و زمانی که اطعام‌دادن مردم تمام می‌شد، به منزل بازمی‌گشتند. یکی از اصحاب آن حضرت پیش خود گمان کرد که آن حضرت در منزل طعامی بهتر از این اطعام می‌خورند. حضرت به او فرمودند: آیا غذا خورده‌ای؟ گفت: نه. فرمودند: پس با من بیا، به منزل برویم. وی می‌گوید: وقتی به منزل آن حضرت رسیدیم، ایشان خادمشان فضّه را صدا زدند و فرمودند: به ما غذا بدهید. فضّه با چند قرص نان و ظرفی شیر آمد و آن حضرت نان را در ظرف شیر ریخت و ترید کرد و خورد. گفتم یا امیرالمؤمنین! سفارش بدهید آرد را الک کنند. آن حضرت گریه کردند و فرمودند: تو را به خدا سوگند! اطلاع نداری که در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله غربالی وجود نداشت؟ (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۸۷)

این روایت نشانگر آن است که حاکمان و کارگزاران اسلامی در رده‌های گوناگون شغلی باید از نظر خوراک و غذا همسان با مردم یا کمتر از مردم در خوراک و حتی پوشاک باشند تا درد فقیران و مستمندان جامعه را حس کنند. این سیره اجتماعی آن حضرت را نشان می‌دهد که مردم را به بهترین شکل اطعام می‌کردند؛ اما خود در خانه، به کمترین طعام اکتفا می‌نمودند.

در گزارش دیگری از مدائنی آمده است: از زید بن علی سؤال شد که علی علیه‌السلام افضل است یا جعفر [بن ابی طالب]؟ زید گفت: جعفر صاحب دو بال است. (او در جنگ موته به سال هشتم به شهادت رسید.) او شبیه به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود؛ ولی از اصحاب کسا نبود. (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۵۳) این گزارش نشان می‌دهد که از نگاه مدائنی اصحاب کسا بودن فضیلتی محسوب می‌شود که دیگران از آن برخوردار نیستند.

همچنین سیره حضرت در برخورد با پرداخت دیه معقول به سبب حضور در جمعیت، درسی برای کارگزاران اسلامی امروز است: مردی در میان فشار جمعیت در کوفه کشته شد. وقتی حضرت علی علیه‌السلام متوجه شدند دستور دادند تا دیه او از بیت‌المال به خانواده‌اش پرداخت شود. (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۶۷) مدائنی درباره سیره حضرت علی علیه‌السلام در رفتار با اسیران جنگ جمل در بصره آورده است: رفتار آن حضرت مانند رفتار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با مردم مکه بود. (همان، ج ۲، ص ۲۸۳) چنین رفتاری بهترین الگو برای برخورد با دشمنان است.

مدائنی با چند واسطه گزارش کرده است: نزد مغیره بن عبدالله بن ابی‌عقیل بودم؛ مردی که دستش قطع بود. گفتم: چه کسی دست تو را قطع کرده است؟ گفت: رحمت خداوند و غفران الهی بر او باد! علی بن ابی‌طالب. گفتم: به تو ظلم کرد! مرد گفت: خیر. سوگند به خدا که به من ظلم نکرد! (بلاذری، ج ۲، ص ۱۵۶)

این گزارش بهترین درس برای کسانی است که به حق از سوی حاکم اسلامی مجازات می‌شوند؛ نباید مجازات شده در برابر نظام اسلامی قرار بگیرد و با دشمنان نظام همراه شود. ده‌ها نمونه از این گزارش‌ها از مدائنی نقل شده است که به فضایل و جایگاه حضرت علی علیه السلام اشاره کرده است.

درباره حضرت فاطمه علیها السلام مدائنی با واسطه از حضرت علی علیه السلام گزارش کرده است: فاطمه زهرا علیها السلام در حالی که دسته سنگ آسیاب را می‌چرخاند تا گندم آرد کند، تاول بر دستانش ظاهر شد. به او گفتم که نزد پدرش برو و از او خادمی بخواهد تا در کارهای خانه به او کمک کند. حضرت فاطمه علیها السلام دو بار نزد پدر رفتند، اما از بیان درخواست خود حیا کردند. پدر به ایشان فرمود: دوبار آمدی، آیا حاجتی داری؟ گفتند: بله. ای رسول خدا، برای آنکه گندم آرد کنم دسته سنگ آسیاب به هنگام چرخاندن، بر دستانم تاول زده است. به همین خاطر درخواست خادم داشتم. رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند: آیا دوست داری بهتر از آن را به شما هدیه دهم تا همیشه با شما باشد، یا آنچه می‌خواهید به شما بدهم؟ گفتم: شما چیزی به من عطا می‌کنید که همیشه همراهم باشد. فرمودند: زمانی که به رختخواب می‌روی، ۳۳ مرتبه «سبحان الله»، ۳۳ مرتبه «الحمد لله» و ۳۴ مرتبه «الله اکبر» بگو که جمع آنها صد تاست. این برای شما بهتر است از آنچه می‌خواستید. حضرت علی علیه السلام فرمودند: ما پیوسته به این سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می‌کردیم. (همان، ج ۲، ص ۱۵۵ و ۱۵۶)

در منابع شیعه ترتیب ذکر تسبیحات اینگونه است: «الله اکبر» ۳۴ مرتبه، «الحمد لله» ۳۳ مرتبه، «سبحان الله» ۳۳ مرتبه که پس از اتمام هر نماز واجب، مسلمانان آن را ذکر می‌کنند. این تسبیحات از مستحباب نماز شمرده شده است.

مدائنی درباره علم خاندان امامت گزارش کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آل محمد معدن علم و اصل رحمت هستند. (همان، ج ۲، ص ۱۵۶) مدائنی با واسطه از انس نقل کرده است که با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم، در حالی که نزدش پرنده‌ای پخته شده برای خوردن آماده

بود. آن حضرت فرمودند: خدایا، بهترین خلق خود را برسان تا با او این غذا را بخورم. انس می‌گوید: حضرت علی علیه السلام آمدند و با آن حضرت مشغول خوردن آن غذا شدند. (همان، ج ۲، ص ۱۴۴) این خبر نزد شیعیان و اهل سنت به «حدیث طیر» مشهور است.

مدائنی ذکر می‌کند روزی معاویه به شداد بن اوس گفت: از جای برخیز و از علی یاد کن و او را تنقیص کن. اما وی برخاست و گفت: «الحمد لله الذی افترض طاعته» (همان، ج ۵، ص ۹۶)؛ یعنی شکر خداوندی که طاعتش را واجب کرد.

اینها نمونه‌هایی از حقایق تاریخ و سیره آن حضرت است که مدائنی بیان کرده است.

درباره امام حسن علیه السلام، از مدائنی گزارش کرده‌اند: پس از شهادت پدرش حضرت علی علیه السلام، مردم با حسن بن علی علیه السلام بیعت کردند و آن حضرت برای مردم خطبه خواندند و در آخر فرمودند: «که من با شما بیعت می‌کنم؛ و با هرکسی که با من در صلح است در صلح باشید و با هرکسی که در جنگم در جنگ باشید.» مردم پس از این سخنان، با امام حسن علیه السلام بیعت کردند. (صدوق، بی‌تا، ص ۳۷۸)

مدائنی درباره عبیدالله بن زیاد گزارش کرده است که پس از شهادت امام حسین علیه السلام و شهادت یارانش، امام سجاد علیه السلام عبیدالله را نفرین کردند و سرانجام عبیدالله به دست مختار کشته شد. امام سجاد علیه السلام از اینکه مختار از قاتلان امام حسین علیه السلام و یارانش انتقام گرفت، برای او (مختار) چنین دعا کردند: «الحمد لله الذی اجاب دعوتی.» (ابطحی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۴۳)

مدائنی تاریخ شهادت برخی از امامان را نیز مد نظر قرار داده است. وی شهادت امام حسن علیه السلام را سال ۴۹ق، (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۵) و به نقلی سال ۵۰ و ۵۱ ذکر کرده. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۵۱۴)، و شهادت امام باقر علیه السلام را در سال ۱۱۷ق دانسته است. (همان، ج ۱۱، ص ۶۴۲) این با توجه به اختلافاتی است که درباره زمان شهادت امام باقر علیه السلام وجود دارد؛ اما مشهور شهادت آن حضرت را در سال ۱۱۴ق گفته‌اند.

چندین گزارش از مدائنی درباره برخی از امامان علیهم‌السلام آمده که عبارتند از: گزارش دیدار هارون الرشید پس از حج با امام موسی بن جعفر علیه‌السلام (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۳)، گزارش خلع ولیعهدی علی بن موسی علیه‌السلام، و اشعار دعبل خزاعی و جایزه آن حضرت به ایشان. (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۶۴)

گزارش‌های تدوین شده مدائنی به صورت تک‌نگاری درباره برخی از امامان شیعه علیهم‌السلام یا در ارتباط با آنان آمده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تکمیل موضوعات تاریخی مورخان پیشین

در قرن دوم و سوم مورخانی به تدوین موضوعات گوناگون درباره تاریخ اسلام پرداختند. مؤلفان شیعه مانند ابومنصف، هشام کلبی، نصر بن مزاحم (م ۲۱۲ق) و دیگران به موضوعاتی درباره امامان شیعه علیهم‌السلام توجه بیشتری نشان دادند؛ اما مؤلفان اهل سنت با توجه به دیدگاهی که نسبت به امامان شیعه علیهم‌السلام داشتند، کمتر به صورت مستقل و موضوعی به این بزرگواران توجه کرده‌اند. ولی برخی از آنان مانند مدائنی در تکمیل و تدوین موضوعات پیشین همت گماشتند و راه تدوین پیشینیان را ادامه دادند که این کارشان نزد مؤلفان نشان‌دهنده اهمیت داشتن آن موضوعات در جامعه آن روز است. از لابه‌لای همین گزارش‌ها تک‌نگار می‌توان لایه‌های پنهان تاریخ اسلام را آشکار ساخت. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین رخدادهای تدوین شده از سوی مدائنی درباره برخی از امامان معصوم علیهم‌السلام اشاره می‌شود:

الف) کتاب «الجمَل»

مدائنی از جمله اخباریانی است که ادامه دهنده و تکمیل‌کننده نگارش‌هایی درباره جنگ جمل بودند، (ابن ندیم، بی تا، ص ۱۱۵؛ حموی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۳۵)؛ زیرا این نخستین حادثه تلخی بود که عده‌ای در برابر خلافت و حاکمیت حضرت علی علیه‌السلام ایستادند، با آنکه با ایشان بیعت کرده بودند. این بیعت‌شکنان افرادی مانند طلحه و زبیر بودند که سرکرده جماعتشان عایشه بود. عایشه تا پیش از کشته شدن عثمان، به او دشنام می‌داد و وقتی فهمید

که مردم با حضرت علی علیه‌السلام بیعت کرده‌اند، شعار خود را که عثمان را «نعثل» می‌نامید، تغییر داد و گفت: عثمان مظلوم کشته شده و خونخواه او شد. اینان با حضرت علی علیه‌السلام به جنگ پرداختند که در نهایت شکست خوردند.

علت نام‌گذاری این جنگ به «جَمَل» آن است که سرکرده این جنگ عایشه سوار بر شتر بود. این کتاب مدائنی در دسترس برخی از مورخان پس از او بوده و بخش‌هایی از آن را گزارش کرده‌اند. گزارش مدائنی درباره رخداد‌های جنگ جَمَل، خطبه‌ها، گفت‌وگوی امام علیه‌السلام با مخالفان و مشارکت‌کنندگان در جنگ، چگونگی آغاز نبرد، برخوردها و رجزها میان دو سپاه حق و باطل، جنایات بصره و موضوعاتی دیگر نشان‌دهنده موضع‌گیری‌های اوست.

پس از مدائنی و مؤلفان دیگر، در دوره‌های بعد در قرن پنجم، شیخ مفید (م ۴۱۳ق) از همین تک‌نگاری‌های پیشین (مانند مدائنی) بهره برد و کتاب جَمَل را تدوین کرد. گرچه شیخ مفید در اثر خود به کتاب مدائنی اشاره‌ای نکرده، اما گزارش‌هایی از او را آورده است که حاکی از استفاده وی از کتاب الجمل مدائنی است. (هدایت‌پناه، ۱۳۹۴، ص ۳۵۲) برخی از گزارش‌های مدائنی در موضوع «جَمَل» را می‌توان در منابع دیگر نیز مشاهده کرد. (برای نمونه، نک. ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۳۱۷)

ب) کتاب «وقعة صفین»

حادثه مهم تاریخی دیگر رویارویی معاویه در برابر خلافت و حاکمیت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است که با فریب‌دادن مردم شام و ادعای خونخواهی عثمان توانست به مقابله با امام علیه‌السلام بپردازد. مدائنی به تکمیل این موضوع پرداخت و در کتاب وقعة صفین آن را نشر داد. این کتاب مدائنی از بین رفته، اما نام آن و گزارش‌های آن در منابع مکتوب موجود است.

نصر بن مزاحم منقری (م ۲۱۲ق) نیز کتابی به نام *وقعة صفین* دارد که تا کنون موجود است و به طور کامل جزئیات آن رخداد را آورده است. این تنها کتاب باقی‌مانده از اوست.

فهرست‌نگاران از کتاب *وقعة صفین* مدائنی یادی نکرده‌اند. تنها در قرن هفتم ابن عدیم (م ۶۶۰ق) نخستین کسی بوده که از این کتاب مدائنی یاد کرده است. (ابن عدیم، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ص ۸۰) بخش‌هایی از گزارش‌های مدائنی درباره این واقعه را می‌توان در کتاب *انساب الاشراف* بلاذری یافت.

برخی از گزارش‌های مدائنی چنین است: فرستادن جریر بن عبدالله بجلی از جانب علی علیه السلام برای گرفتن بیعت از معاویه (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۸۴ و ۲۸۵)، نامه معاویه به آن حضرت برای تسلیم کردن قاتلان عثمان (عسکری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱)، نامه‌نگاری میان معاویه و امیرالمؤمنین علی علیه السلام (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۱۳۳-۱۳۶)، پیوستن کارگزار علی علیه السلام به معاویه (زبیر بن بکار، ۱۴۱۶ق، ص ۱۴۹)، لعن حضرت علی علیه السلام از سوی معاویه، عمرو و بسر بن ارطاة (ثقفی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۴۲)، قاتل عمار یاسر (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۱۱)، مبارزه علی علیه السلام با عمرو عاص (عسکری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۵۷ و ۱۵۸)، عبدالله بن عباس و ابوموسی در موضوع حکمین (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۴۶) و موضوعاتی دیگر. جمع‌آوری این گزارش‌ها در یک مجموعه، کمک بزرگی به شناخت لایه‌های پنهان تاریخ اسلام می‌کند.

ج) کتاب «النهران» یا کتاب «الخوارج»

مدائنی به تدوین کتاب *النهران* یا کتاب *خوارج* پرداخت. علت این جنگ پذیرفتن حکمیت از سوی حضرت علی علیه السلام در تقابل سپاه معاویه در جنگ صفین بود؛ اما بخشی از سپاه حضرت علی علیه السلام به سبب پذیرفتن حکمیت، از ایشان جدا شدند، در حالی که آنان پیش از این بر حکمیت اصرار داشتند. وقتی آنان به گمان خود به اشتباهشان پی بردند، توبه

کردند و از امام علیه السلام هم خواستند که توبه کند و پیمان را نقض نماید؛ اما امام درخواست آنان را نپذیرفتند و به صبر و پذیرش نتیجه حکمیت توصیه کردند. به همین سبب، آنان به سپاه حضرت علی علیه السلام حمله کردند. این جنگ به اعتبار مکان «نهروان» و به اعتبار عقاید آنان، «خوارج» یا «نهروان» خوانده شد. منابع عمومی به این رخداد اشاره کرده‌اند؛ اما برخی به سبب اهمیت موضوع - از جمله مدائنی - به تکمیل و نشر این واقعه پرداختند. (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۱۱۵؛ حموی؛ بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۳۵) گزارش‌هایی از کتاب *الخوارج مدائنی* در منابع بعدی ثبت شده که برخی از آنها عبارتند از: حرکت حضرت علی علیه السلام به سوی نهروان (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۷۲)، گفت‌وگوی حضرت علی علیه السلام با خوارج (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۶ و ۳۵۷)، درگیری امام با آنان در نهروان (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱۰)، خطبه حضرت علی علیه السلام پس از جنگ نهروان (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۳۴ و ۱۳۵) و برخی موضوعات دیگر.

د) کتاب «الغارات»

مدائنی از کسانی است که به تکمیل تدوین کتاب *الغارات* پرداختند، (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۱۵)؛ زیرا موضوع کتاب ذکر غارت‌های سپاه معاویه بود تا افزون بر غارتگری اموال و کشتن مردم، سلب امنیت مناطق تحت حاکمیت حضرت علی علیه السلام را نشان دهد. افرادی پیش از مدائنی مانند ابومخنف (م ۱۵۷ق)، ابوعمیه (م ۲۰۷ق)، هشام کلبی (م ۲۰۷ق) نصر بن مزاحم منقری و ابراهیم ثقفی (م ۲۸۳) به این موضوع پرداخته بودند و هر یک در جمع‌آوری اطلاعات از این واقعه نقش داشتند. اما تنها کتاب *الغارات* ثقفی (م ۲۸۳ق) به دست ما رسیده است. (نجاشی، بی‌تا، ص ۱۷) برخی از گزارش‌های مدائنی درباره غارت‌های معاویه در منابع دیگر موجود است؛ از جمله آنها خبر بسر بن ارطاة است که دو فرزند عبیدالله بن عباس را به قتل رساند. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۴۴۴)

چ) «خُطْبُ امامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كُتُبُهُ إِلَى عُمَّالِهِ»

خطبه‌های و نامه‌نگاری حضرت علی عليه السلام به کارگزارانش به مناسبت رخدادها و حوادثی که اتفاق افتاده، به صورت پراکنده در منابع تاریخی و غیر آن یافت می‌شود و برخی از مورخان آن خطبه‌ها و نامه‌های حضرت به کارگزارانش را جمع‌آوری کرده و به طور مستقل به تدوین این موضوع پرداخته‌اند؛ از جمله: زید بن وهب جهنی کوفی (م ۹۶ق) در کتاب *خطب امیرالمؤمنین علی المنابر فی الجُمع و الاعیاد و غیرها*، (تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۹۱)؛ اسماعیل بن مهران سکونی (م ۴۸ق)، ابومخنف مسعدة بن صدقه عبدی (م ۱۸۳ق)، هشام کلبی؛ منقری؛ ابوالحسن مدائنی و افراد دیگری که خطبه‌های آن حضرت را جمع‌آوری نموده و در یک‌جا تألیف کرده‌اند که با مراجعه به کتاب‌های فهرست می‌توان نام آنها را به دست آورد. ابن ابی‌الحدید به نقل از مدائنی برخی از خطبه‌ها را آورده است. سید عبدالزهرء حسینی نام افرادی را که به تدوین خطبه‌های آن حضرت تا پیش از تألیف *نهج‌البلاغه* اقدام کرده‌اند ذکر کرده است. (حسینی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۹-۸۲)

د) «مقتل الحسین عليه السلام»

برخی از مورخان برای افراد مظلوم، شکنجه دیده و کشته شده به دست جباران به تدوین پرداخته و کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند؛ مانند *مقتل امیرالمؤمنین عليه السلام*، *مقتل حجر بن عدی*، *مقتل محمد بن ابی‌بکر و مقتل الحسین عليه السلام*. بیشتر مؤلفان بدون توجه به دیدگاه مذهبی خویش، در طول زمان به تفصیل درباره حادثه عاشورا جداگانه و مستقل، آثاری تدوین کرده‌اند. اخباریانی مانند جابر بن یزید جعفی (م ۲۸ق) (نجاشی، بی‌تا، ص ۱۲۹)، ابومخنف (ندیم، بی‌تا، ص ۱۰۵)، واقدی (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۱۱۱)، هشام کلبی (نجاشی، بی‌تا، ص ۴۳۵)، ابوعمیده معمر بن المثنی (اتان کلبرگ، ۱۳۷۱، ص ۴۰۳)، منقری (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۱۰۶)، مدائنی (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۹)؛ ابن شهرآشوب، بی‌تا، ص ۱۰۷؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۰۱) و افرادی دیگر پس از مدائنی، درباره این رخداد عظیم کتاب‌هایی به نام *مقتل الحسین* نگاشته‌اند.

شیخ مفید در *الارشاد* (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۲) از *مقتل الحسین هشام کلبی* و مدائنی نام برده است. مدائنی درباره این رویداد بزرگ و حرکت امام حسین علیه‌السلام و نامه مردم کوفه به ایشان، برخورد مسلم بن عقیل با محمد بن اشعث، شهادت مسلم بن عقیل، شهادت امام حسین علیه‌السلام، شهادت عباس بن علی، نخستین شهید کربلا و شهیدان دیگر گزارش‌هایی اراده داده است (ر.ک. مرادی نسب، ۱۳۹۶، ص ۳۶۸-۳۶۴ و ۲۷۴-۲۷۳ و ۲۸۲-۲۷۸) که به احتمال قوی این مطالب را از *مقتل الحسین* مدائنی گزارش کرده است.

۲. تدوین موضوعات ابتکاری

مدائنی با توجه به وسعت علمی و صرف‌نظر از دیدگاه مذهبی‌اش، موضوعاتی جدید درباره امامان شیعه علیهم‌السلام یا در ارتباط با آنان تدوین کرده است که برخی از مؤلفان پس از او آنها را تکمیل کرده‌اند. به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

الف) کتاب «الخونۃ لامیر المؤمنین»

موضوع کتاب *الخونۃ* افرادی است که از کارگزاران حضرت علی علیه‌السلام بودند و به ایشان خیانت کردند و به معاویه پیوستند. در لغت «خونۃ» جمع «خائن» است، به معنای خیانت‌کاران. مدائنی نخستین کسی است که با تدوین این کتاب موضع‌گیری خود را نشان داد و خیانت‌کاران به امام علی علیه‌السلام را معرفی و رسوا کرد. فقط شیخ طوسی از این کتاب یاد کرده است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۹) و ابن‌عساکر گزارشی از مدائنی آورده است که با عبارت «فی ذلك شعراً ذکر قصته المدائنی فی کتاب الخونۃ» از آن یاد کرده است. یزید بن حبیبه در صفین با حضرت علی علیه‌السلام بود و آن حضرت او را به ولایت ری منصوب کردند؛ اما وی اموال آنجا را برداشت و به معاویه پیوست. (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج ۶۵، ص ۱۴۷)

پس از ابن‌عساکر، اردبیلی (م ۱۱۰۱ق) و سید محسن امین و تفرشی از این کتاب یاد کرده‌اند. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۷۷؛ امین، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۰؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۱۳۹) گزارش‌های دیگران، از جمله مدائنی درباره خیانت‌کاران به حضرت علی علیه‌السلام را می‌توان در یک‌جا جمع‌آوری کرد و به‌بازسازی آن کتاب اقدام نمود.

ب) کتاب «أسماء من قتل من الطالبیین»

کتاب درباره علویان و طالبیانی که به دست حاکمان ستمگر اموی و عباسی یا کارگزاران آنان به شهادت رسیده‌اند. مورخان اسامی آنان را در کتاب‌های خود ثبت کرده‌اند که از لابه‌لای منابع تاریخی می‌توان به آنان دست یافت. مدائنی نخستین کسی است که جداگانه به تدوین این موضوع پرداخت. (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۱۱۴؛ حموی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۳۲) و پس از او، ابن مدینی این کار را انجام داد (بغدادی، بی‌تا - الف، ج ۱، ص ۸۰) و پس از آن ابوالفرج اصفهانی کتابی با عنوان *مقاتل الطالبیین* نوشت. وی از مدائنی نقل قول‌های بسیاری در کتابش آورده است. با جمع‌آوری اخبار مدائنی از *مقاتل الطالبیین* می‌توان این کتاب مدائنی را بازسازی و احیا کرد. نگارش مدائنی درباره این موضوع به شناخت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سطح جامعه کمک می‌کند که چگونه شخصیت‌های مؤثر و برجسته علوی در برابر حاکمان جور ایستادند و تسلیم نشدند و به تبعید یا زندان افتادند یا در این راه به شهادت رسیدند.

ج) «حرة واقم»

پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش در کربلا، مردم مدینه به حاکمیت فاسد یزید اعتراض کردند و یزید را شایسته خلافت ندانستند. به همین سبب علیه امویان و حاکمان مدینه شوریدند و آنان را از مدینه اخراج کردند. این خبر به یزید بن معاویه رسید و سپاهی به فرماندهی مسلم بن عقبه برای سرکوبی قیام در سال ۶۳ هجری روانه مدینه کرد و شهر مدینه را در محاصره قرار داد. سرکوبی مردم مدینه همراه با جنایت قتل، غارت و دریدن شکم زنان بود که این واقعه از حوادث تلخ در تاریخ اسلام شمرده شده است. «حرة واقم» نام محلی است در شرق مدینه و این جنگ به همین نام نامیده شده است. مدائنی نخستین کسی است که درباره این موضوع جداگانه کتاب نوشت. (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۱۱۵؛ حموی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۳۴) برخی از گزارش‌های او در منابع پس از وی وجود دارد. پرداختن

جدآگانه به این موضوع اهمیت آن را در عصر مؤلف می‌رساند که شاید به خوبی جزئیات آن حادثه را گزارش کرده است. این کتاب در طول تاریخ از بین رفته و منابع عمومی به شرح این واقعه به صورت جزئی پرداخته‌اند.

د) کتاب «اخبار ابی‌طالب و ولده (بنیه)»

حضرت ابوطالب پدر بزرگوار امام علی علیه‌السلام و عموی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که در ادوار گوناگون از سوی برخی در اسلام او تردید شده است تا در شخصیت ایشان خدشه وارد کنند. این در حالی است که ابیات بسیاری در دیوان منسوب به ایشان موجود است که اسلام و ایمان او را به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به خوبی نشان می‌دهد. (علی بن حمزه، ۲۰۰۳، ص ۱۵۸)

امام باقر علیه‌السلام درباره سخن برخی که ابوطالب را در گودال آتش می‌دانستند، فرمودند: اگر ایمان او در یک کفه ترازو و ایمان مردم در کفه دیگر قرار داده شود، کفه او بر همگان برتری دارد. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۶۸)

در قرن دوم و سوم ایمان او به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا کفر او به آن حضرت، بیشتر مورد بحث قرار گرفته است. عده‌ای کوشیدند تا بگویند: ابوطالب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان نیاورده است. عده‌ای دیگر برای اثبات ایمان ابوطالب کتاب نوشتند. مدائنی نخستین کسی است که درباره حضرت ابوطالب و فرزندانش کتاب مستقلی نوشت (ابن ندیم، بی‌تا، ۱۱۴؛ حموی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۳۱) و پس از مدائنی، ابن مدینی به صورت جدآگانه به تدوین این موضوع پرداخت. (بغدادی، بی‌تا - الف، ج ۱، ص ۳۹ و ۴۴) شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) کتاب اخبار ابی‌طالب و عبدالمطلب و عبدالله و آمنه بنت وهب را نوشت. شیخ مفید (م ۴۱۳ق) کتابی با عنوان ایمان ابی‌طالب نوشت که در بردارنده اخبار ابوطالب است. (صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۱۶۹) اتان کلبرگ از کتاب اخبار آل ابی‌طالب از مؤلفی ناشناخته در نیمه نخست قرن سوم یاد کرده است. (کلبرگ، ۱۳۷۱، ص ۴۲۹)

با توجه به دیدگاه مدائنی، این کتاب و کتاب‌های دیگر او مانند کتاب *الخوثة* لامیرالمؤمنین علیه السلام و کتاب *اسماء من قتل من الطالبین* خط فکری او را نشان می‌دهد که درباره آن بزرگوار کتاب نوشته است.

نتیجه‌گیری

با بررسی گزارش‌ها و آثار مدائنی، به‌ویژه درباره تاریخ زندگانی امامان معصوم علیهم السلام از جمله امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به دست آمد که مدائنی در دو مقوله، هم به تکمیل موضوعات پیشین، از جمله جنگ جمل، صفین، نهروان، و مقتل الحسین علیه السلام پرداخت و هم به تدوین موضوعات ابتکاری که پیش از وی سابقه‌ای نزد مورخان پیشین نداشت (از جمله کتاب *الخوثة* لامیرالمؤمنین علیه السلام، اخبار اهل بیت علیهم السلام، *اسماء من قتل من الطالبین* (ع)، و اخبار ابطالب و ولده) اقدام کرد و در تدوین آنها پیشگام بود. مدائنی اخباری بود و به‌همین سبب به نقل اخبار، بدون تعصب مذهبی پرداخته است.

مدائنی بدون ملاحظات سیاسی و اجتماعی، فضایل و زندگانی امامان شیعه علیهم السلام را گزارش کرده و به تحریف‌های برخی از اخباریان اهل حدیث توجه نکرده و حتی گاهی به نقل عیوب و مثالب امویان اشاره نموده است. توجه او به موضوعاتی درباره امامان شیعه بر گرایش او به تشیع دلالت نمی‌کند، بلکه می‌تواند حاکی از روحیه آزادی‌اندیشی او در ذکر فضایل اهل بیت علیهم السلام باشد. احیای گزارش‌های مدائنی و بازسازی آثار او در خصوص تاریخ و سیره امامان معصوم علیهم السلام می‌تواند نقشی اساسی در روشنگری تاریخ اسلام نزد پژوهشگران داشته باشد و لایه‌های پنهان حوادث تاریخی در عصر امامان علیهم السلام را نشان دهد.

منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۳۷۸)، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار‌احیاء‌الکتب‌العربیة / عیسی‌البابی‌الحلبی و شرکاه.
۲. ابن ابی‌یعلی، محمد (بی‌تا)، طبقات الحنابلة، بیروت، دار‌المعرفة.
۳. ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم محمد (بی‌تا)، اسد الغایة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار‌الکتب‌العربی / تهران، اسماعیلیان.
۴. ابن حجر، احمد بن علی (۱۳۹۰)، لسان‌المیزان، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی‌للمطبوعات.
۵. ابن حزم، علی (۱۴۰۳ق)، جمهرة انساب العرب، تحقیق لجنة من العلماء، بیروت، دار‌الکتب‌العلمیه.
۶. ابن سعد، محمد (بی‌تا)، الطبقات‌الکبری، بیروت، دار‌صادر.
۷. ابن شهبه، عمر (۴۱۰ق/۱۳۶۸ش)، تاریخ‌المدينة‌المنوره، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم، دار‌الفکر.
۸. ابن شهرآشوب، محمد بن علی (بی‌تا)، معالم‌العلماء فی فهرست کتب‌الشیعة و اسماء‌المصنفین قديماً و حديثاً، قم، بی‌نا.
۹. ابن عدی، عبدالله (۱۴۰۹ق)، الکامل فی ضعف‌الرجال، تحقیق، قراءه و تدقیق یحیی مختار غزاوی، بیروت، دار‌الفکر.
۱۰. ابن عساکر، علی بن‌الحسین (۱۴۱۵ق)، تاریخ‌مدینة‌دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار‌الفکر.
۱۱. ابن قتیبة، عبدالله (۱۹۹۲)، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره، هیئة‌المصرية‌العامة‌للکتاب.
۱۲. ابن ندیم، احمد (بی‌تا)، الفهرست، تحقیق رضا تجدد.
۱۳. ابن‌هشام، عبدالملک (۱۳۶۳)، السيرة النبویه، تحقیق عبدالحفیظ، مصطفی سقا، و...، قم، انتشارات ایران.
۱۴. ابوالفرج اصفهانی، علی بن‌الحسین (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م)، مقاتل‌الطالبیین، تحقیق، تقدیم و اشراف کاظم‌المظفر، نجف، منشورات‌المکتبة‌الحیدریه، توضیحات: قم، مؤسسه‌دار‌الکتب‌للطباعة و النشر.
۱۵. _____ (۱۴۱۵ق)، الاغانی، تحقیق دار‌احیاء‌التراث‌العربی، بیروت، دار‌احیاء‌التراث‌العربی.
۱۶. احمدی میانجی، علی (۱۹۹۸م)، مکاتیب‌الرسول، قم، دار‌الحديث.
۱۷. اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، جامع‌الرواة، قم، مکتبة‌آیت‌الله‌مرعشی‌نجفی.

١٨. الإمام زين العابدين عليه السلام (١٤١١ق)، *الصحيفة السجادية*، تحقيق سيد محمد باقر موحد ابطحي اصفهاني، قم، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام / مؤسسة الأنصاريان.
١٩. بغدادى محمد بن حبيب (١٣٤١)، *المحبر*، مطبعة الدائر.
٢٠. _____ (بى تا)، *المنطق فى اخبار قريش*، تحقيق، تصحيح و تعليق خورشيد أحمد فاروق.
٢١. بغدادى، اسماعيل باشا (بى تا - ب)، *هدية العارفين*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٢٢. _____ (بى تا - الف)، *ايضاح المكنون*، تحقيق و تصحيح محمد شرف الدين يالنتقايا و رفعت بيلگه الكليسى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٢٣. بلاذرى، احمد (١٤١٧)، *انساب الأشراف*، تحقيق سهيل زكار و رياض زرکلى، بيروت، دارالفكر.
٢٤. بيهقى، احمد بن الحسين (بى تا)، *السنن الكبرى*، بى جا، دارالفكر.
٢٥. تفرشى، سيد مصطفى (١٤١٨ق)، *نقد الرجال*، تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاهياء التراث، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاهياء التراث.
٢٦. حاجى خليفه، مصطفى (بى تا)، *كشف الظنون*، تحقيق، تصحيح و تعليق محمد شرف الدين يالنتقايا و رفعت بيلگه الكليسى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٢٧. حسيني، عبدالزاهراء (١٠٩ق)، *مصادر نهج البلاغه و اسانيده*، بيروت، دار الزهراء.
٢٨. حموى، ياقوت (بى تا)، *معجم الادباء*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٢٩. خطيب بغدادى، احمد بن على (١٤١٧ق)، *تاريخ بغداد*، تقديم و تصحيح مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلميه.
٣٠. ذهبى، احمد (١٤١٣)، *سير أعلام النبلاء*، تحقيق و تخريج و تعليق شعيب الأرنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة.
٣١. ذهبى، احمد (بى تا)، *ميزان الاعتدال*، تحقيق على محمد الجاوى، بيروت، دار المعرفه.
٣٢. زبير بن بكار (١٤١٤ق)، *الاخبار الموفقيات*، تحقيق و تصحيح سامى المكى العاني، قم، شريف الرضى.
٣٣. سمعاني، عبدالكريم (١٤٠٨ق)، *الأنساب*، تحقيق تقديم و تعليق عبدالله عمر البارودى، بيروت، دار الجنان.
٣٤. سيوطى، عبدالرحمن (بى تا)، *تاريخ الخلفاء*، تحقيق لجنة من الادباء، مكه، دارالتعاون عباس احمد الباز.

۳۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۸ق)، *الهدایة فی الاصول و الفروع*، تحقیق مؤسسة الإمام الهادی علیه السلام، قم، مؤسسة الإمام الهادی علیه السلام.
۳۶. _____ (بی تا)، *التوحید*، تحقیق تصحیح و تعلیق سید هاشم حسینی طهرانی، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.
۳۷. صفدی، خلیل (۱۴۲۰ق)، *الوافی بالوفیات*، تحقیق احمد الأرناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار إحياء التراث.
۳۸. صنعانی عبدالرزاق (بی تا)، *المصنف*، تحقیق و تخريج و تعلیق حبیب الرحمن الأعظمی، بی جا، منشورات المجلس العلمي.
۳۹. طباطبائی سید عبدالعزیز (۱۴۱۷ق) *اهل البيت علیهم السلام فی المكتبة العربية*، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۴۰. طبرانی، سلیمان (۱۴۱۲ق)، *الاحادیث الطوال*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰ق)، *المؤتلف من المختلف*، تحقیق جمع من الأساتذة و نظارت سید مهدی رجائی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة (بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی)، مطبعة سیدالشهداء علیه السلام.
۴۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، *تاریخ الأمم و الملوك*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
۴۳. طوسی، محمد (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، تحقیق شیخ جواد قیومی، قم، مؤسسة النشر الإسلامي / مؤسسة نشر الفقاهة.
۴۴. عسکری، محمد (۱۴۲۰ق)، *جمهرة الامثال*، تحقیق و تصحیح محمد أبو الفضل ابراهیم و عبدالمجید قطامش، بیروت، دارالفکر و دارالجيل.
۴۵. علی بن حمزه (۲۰۰۳)، *دیوان ابی طالب بن عبدالمطلب همراه با دیوان ابی طالب*، تألیف ابوهفان مهزومی، تحقیق محمد حسن آل یاسین، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
۴۶. فهد بدری محمد (۱۹۷۵)، *شیخ الاخباریین ابوالحسن مدائنی*، نجف، مطبعة القضاء.
۴۷. قاضی، ابویوسف (بی تا)، *کتاب الخراج*، بیروت، دارالمعرفة.
۴۸. قرشی، باقر شریف (۱۴۱۳ق)، *حياة الامام الحسن بن علی علیه السلام*، بیروت، دارالبلاغه.

۴۹. کلبرگ، اتان (۱۳۷۱)، کتابخانه سید بن طاووس، تحقیق و ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی / صدرا.
۵۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۵۱. مرادی نسب، حسین (۱۳۹۶)، اخبار اهل بیت علیهم‌السلام در میراث مکتوب مدائنی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۲. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، الارشاد، تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم‌السلام لتحقق التراث، بیروت، دارالمفید.
۵۳. نجاشی، احمد (بی‌تا)، رجال، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۵۴. نسائی، احمد (بی‌تا)، فضائل الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵۵. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
۵۶. هدایت پناه، محمد رضا (۱۳۹۴)، منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۷. یحیی بن معین (بی‌تا)، تاریخ، بروایة الدارمی، تحقیق احمد محمد نور سیف، دمشق، دارالمأمون للتراث.
۵۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی‌تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر / قم، مؤسسة نشر فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام.